

نامه سرگشاده به رئیس دیوان عالی کشور

حضرت آیت الله موسوی اردبیلی رئیس محترم دیوان عالی کشور

با عرض سلام و آرزوی توفیق برای جنابعالی در راه اجرای عدالت و حکم بما انزل الله، صدور پیام اخیر رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ما را بر آن داشت که با تشکر از مقام رهبری در اجرای کلام الهی «و ذکر فان الذکری تنفع المؤمنین» و در راه انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر قدمی برداریم. تذکراتی که در پیام امام در مورد حفظ حقوق و احتراز از هتک حرمت مردم آمده است منبعث از متن شریعت و هم آهنگ با فرامین الهی در کتاب و سنت و قانون اساسی مورد قبول اکثریت قریب به اتفاق مردم بوده و پیش از این تاریخ نیز سخنرانی‌ها و پیام‌های گوناگون در این زمینه به گوش مسئولین امور رسیده است. همه ما به خاطر داریم که سال ۱۳۶۰ از طرف رهبر انقلاب سال قانون اعلام شد و همه می‌دانیم که قانون شکنی‌ها در این سال به اندازه‌ای بود که حتی خود مسئولین نیز نتوانستند جز اعتراف به تخطی‌های چشمگیر چیزی در این باره بگویند. همچنین دستور اکید امام در مورد رسیدگی به وضع بنیاد مستضعفان و حیف و میل‌های احتمالی و ادعایی هنوز در خاطرها زنده است و با آن که بیش از دو سال از تاریخ صدور این دستور می‌گذرد تا کنون گزارشی قانع‌کننده و یا پاسخ‌گوینده به سؤالات متعدد مردم در این باره منتشر نشده است. کمتر از یک سال قبل بود که امام مؤکداً دستور دادند ظرف دو ماه تکلیف همه زندانیان روشن شود و جنابعالی خود در جریان بوده‌اید که این دستور به مورد اجرا گذاشته نشد و بسیاری از زندانیان و خانواده‌هایشان که بدین توصیه و اجرای آن دل بسته بودند مدت‌ها بعد از انقضای مهلت مقرر در انتظار روشن گشتن وضع خود نشستند و یا چشم به باز شدن درهای زندان دوختند. مسئولین امور ممنوعیت، ایذاء، افتراء، تجسس و هتک حرمت مؤمن را در فقه اسلامی آموخته‌اند و در قانون اساسی که اجرای آن را شرعاً عهده‌دار شده‌اند، خوانده‌اند که:

«تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار

داد» (اصل بیست و سوم)

«بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هر گونه تجسسی ممنوع است مگر به حکم قانون» (اصل بیست و پنجم)

«هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.» (اصل سی و دوم)

«اصل برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد» (اصل سی و هفتم)

«هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است» (اصل سی و نهم)

حال چه شده است که پس از بیست و پنج ماه از تصویب قانون اساسی، رهبر عالیقدر انقلاب ناچارند فریاد زنند:

«هیچکس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعیه باید باشد توقیف کند یا احضار نماید، هر چند مدت توقیف کم باشد، توقیف یا احضار به عنف جرم است و موجب تعزیر شرعی است. هیچکس حق ندارد به خانه یا مغازه یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن‌ها وارد شود یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیر انسانی - اسلامی مرتکب شود یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم، هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید و یا به دنبال اسراری که از غیر به او رسیده ولو برای یک نفر فاش کند. تمام این‌ها جرم و گناه است و بعضی از آن‌ها چون اشاعه فحشاء و گناهان از کبائر بسیار بزرگ است و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی است و بعضی از آن‌ها موجب حد شرعی می‌باشد».

بی شک مسئولین امور نمی‌توانند عدم اطلاع از حکم شرعی و قانون اساسی را علت عدم اقدام خود در گذشته قلمداد کنند. ما از مسئولین قوه قضاییه می‌پرسیم اگر امام چنین پیامی نمی‌فرستادند آیا شما خود از وقوع جرم، حکم و مجازات مجرم آگاه نبودید و خود را موظف به اقدامی نمی‌دیدید؟

آیا اصل یکصد و پنجاه و ششم قانونی اساسی صراحتاً اعلام ننموده است که:

«قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسؤول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

- ۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می‌کند.
- ۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع.
- ۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین.
- ۴- کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام.
- ۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین».

در هر حال ما امیدواریم صدور این پیام انگیزه‌ای برای اجرای حکم خدا و قانون اساسی باشد و فصلی جدید در تاریخ جمهوری نوپای ما بگشاید مشروط به آن که در مسیر اطلاعیه‌ها، قطعنامه‌ها، خطبه‌ها و سمینارها و بهره‌برداری‌های سیاسی از تاب و توان نیفتد.

نهضت آزادی ایران ضمن پشتیبانی از پیام امام در اجرای قانون اساسی و عدالت از قوه قضاییه انتظار دارد که با اقدام سریع در اجرای قانون و مجازات متخلفین به مردم نشان دهد که اجازه نخواهد داد این پیام به سرنوشت برخی پیام‌های گذشته دچار شود و با اقدام خود امید به اجرای قانون و عدالت و تأمین امنیت در جامعه را در دل‌ها نگه دارد.

ربنا لا تؤاخذنا ان نسينا او اخطانا

نهضت آزادی ایران